

تاریخ ادبیات : علامه دهخدا

علی‌اکبر دهخدا (۱۲۵۷ - ۷ اسفند ۱۳۳۴)، ادیب، لغت‌شناس، سیاستمدار و شاعر ایرانی بود. او مؤلف و بنیان‌گذار لغت‌نامه دهخدا نیز بوده‌است. دهخدا از درخشان‌ترین چهره‌های فرهنگ و ادب فارسی معاصر است.

بند اول: هجری شمسی : تاریخ خورشیدی/نیزه : سلاح جنگی ، نی یا چوبی دراز که بر سر آن آهنی نوک تیز قرار داده باشند/خنجر : شمشیر کوچک ، چاقویی که نوک آن کج و برنده است/به جای مانده : باقی مانده علوم : جمع علم ، علم‌ها/دار و ندار : کل دارایی و ثروت کسی/فرا گرفتم : یاد گرفتم/تعلیم : آموزش ، یاد دادن/بزرگ مرد : مرد بزرگ

بند دوم: تکمیل : کامل کردن/معلومات : دانسته‌ها/

: بند سوم: لغت‌نامه : کتاب لغت ، واژه‌نامه/مفصل : کامل ، گسترده/تالیف

بند چهارم: ارزش : اعتبار شهرت : معروفیت

بند پنجم: دایره المعارف : کتابی که در آن همه ی کلمات و اصطلاحات علمی و ادبی یک زبان ، در مورد موضوعی خاص و یا به صورت جامع به ترتیب حروف الفبا بیان می شوند

بند ششم: متون : جمع متن ، متن‌ها

بند هفتم: گرد نیاورده : جمع آوری نکرده/تأخیر : درنگ ، مکث/به چاپ نرسانیده : چاپ نکرده/ستمکار : ظالم

معنی نثرها

این کار بی هیچ تأخیر و درنگی، بیرون از بیماری چند روزه و دو روز رحلتِ مادرم رحمه الله علیه که این شغل تعطیل شد، ادامه یافت.

معنی: این کار (نوشتن لغت‌نامه) بدون هیچ درنگ و مکث کردن، به غیر از چند روز بیماری و دو روزی که مادرم، که «رحمت خداوند بر او باد» فوت کردند. ادامه داشت و لحظه ای تعطیل نشد.

مراهیچ چیز از نام ونان به تحمّل این رنج سنگین جزمظلومیّت مشرق درمقابل ظالمین ستمکار مغربی و نداشت.

معنی: من به خاطر نام و نان (شُهرت و مال و ثروت)، رنج بسیار نوشتن لغتنامه را تحمّل نکردم بلکه تحمّل این رنج به خاطر کم کردن مظلومیّت شرق در برابر ستمگران مغرب زمین بود.

معنی اشعار صفحه ۷۰

بیت ۱: درد عشقی کشیده ام که مپرس زهر هجری چشیده ام که مپرس

معنی: رنج عشقی را تحمّل کرده ام که از آن سوال نکن؛ زیرا نمی توانم جواب بدهم و زهر جدایی نوشیده ام که از تلخی نتوان پرسید.

آرایه ادبی: زهر هجر: آرایه تشبیه (هجر مانند زهر است).

بیت ۲: گشته ام در جهان و آخرکار دلبری برگزیده ام که مپرس

معنی: زمان زیادی را در دنیا جست و جو کرده ام و عاقبت، دلبری را انتخاب کرده ام که نمیتوان وصفش کرد.

بیت ۳: بی تودر کلبه ی گدایی خویش رنج هایی کشیده ام که مپرس

معنی: بدون تودرخانه ی فقیرانه و بی رونق خودم، سختی های زیادی را تحمّل کردم که درباره ی آن، چیزی را از من نپرس.

آرایه های ادبی: کلبه ی گدایی: آرایه تشبیه: گدایی به کلبه، تشبیه شده است

بیت ۴: همچو حافظ، غریب در ره عشق به مقامی رسیده ام که مپرس

معنی: مانند حافظ، دور از وطن، رونده ی راه محبّت شدم و به مقام و درجه ای از عرفان رسیده ام که آن را نپرس.

دانش زبانی

اسم کلمه ایی است که برای نامیدن شخصی یا چیزی را با آن می نامیم.

اسم ساده: از ۱ قسمت تشکیل شده است - دفتر

اسم غیر ساده: ۲ بخش تشکیل شده است مانند دعوتنامه

بسیاری از واژه ها از ترکیب ۲ یا چند واژه ساخته می شوند با اضافه کردن نامه به کلمات واژه جدید ساخته می شود. شناسنامه-گذرنامه-بخشنامه-درسنامه-لغت نامه-واژه نامه

روز + نامه = روزنامه

وکالت + نامه = وکالت نامه

بخوان و حفظ کن باران

باباطاهر یا باباطاهر عریان همدانی، عارف، شاعر ایرانی و دوبیتی سرای اواخر سده چهارم و اواسط سده پنجم هجری (سده ۱۱م) ایران، در دوران طغرل بیک سلجوقی می زیسته است. «بابا» لقبی بوده که به پیروان وارسته می داده اند. اغلب منابع او را اهل همدان معرفی کرده اند و خود او در چندین دوبیتی از همدان و الوند یاد کرده و اشعار او به فارسی پهلوی نزدیکتر دانسته و قالب شعر باران: دوبیتی شاعر: باباطاهر دوبیتی شعری است که دو بیت دارد و مصراع اول، دوم و چهارم آن قافیه وجود دارد.

رُباعی هم مانند دوبیتی است؛ یعنی از نظر قافیه و تعداد بیت، شبیه هم هستند؛ اما از نظر وزن و آهنگ باهم تفاوت دارند

بیت ۱: خوشا آنان که الله یارشان بی به حمد و قُل هو الله کارشان بی

معنی: خوش به حال کسانی که خداوند یاور و پشتیبانشان است و همیشه در حال خواندن قرآن هستند.

نکته: «خوشا» به معنی چه قدر خوب و شبه جمله است

بی: باشد در لهجهی لری به معنای باشد است زیرا باباطاهر به زبان لری شعر میگفت.

حمد و قُل هو الله، اشاره به سوره ها و آیه های قرآن دارد

بیت ۲: خوشا آنان که دایم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی

معنی: خوش به حال کسانی که همیشه در حال نماز خواندن هستند و بهشت جای زندگیشان است

بیت ۳: خداوندا به فریاد دلم رس کس بی کس تویی، من مانده بی کس

معنی: پروردگارا! به من کمک کن، زیرا تو یاور انسانهای بی پناه هستی؛ من تنها مانده ام، کمک کن

آرایه ادبی: به فریاد رسیدن: کنایه از کمک کردن است

نکته دستوری: خداوندا: منادا و ندا / رس: فعل امر ← برس

بیت ۴: همه گویند طاهر کس نداره خدا یار مَنه چه حاجت کس

معنی: همه میگویند که باباطاهر تنها و بی یاور است. وقتی که خدا یاورِ من باشد من نیاز به کمک هیچ کسی ندارم.

نکته ادبی: طاهر، اسم شاعر، همان باباطاهر است. گاهی شاعر در بیت آخر شعر، اسمش را میآورد که به این کار، تَخَلُّص می گویند.

قالب شعر: رباعی شاعر: سید حسن حسینی

بیت ۵: ای نام تو رویده به گلدان لبم در مرحمت تو غوطه ور، روز و شبم

معنی: خدایا! من همیشه مشغول راز و نیاز با تو هستم و تمام روز و شب در دریای لطف و مهربانی تو شناور هستم..

آرایه های ادبی: روز و شب: تضاد

بیت ۶: در خاک طلب، بذر دُعا کاشته ام باران اجابت تو را می طلبم

معنی: من دعا میکنم و از تو میخواهم که نیازم را برطرف کنی و منتظرم که خواسته های مرا بپذیری و برآورده کنی.

قالب شعر: دوبیتی شاعر: مصطفی علیپور

بیت ۷: اگر آن سبز قامت، رو نماید درِ باغ خدا را میگشاید

معنی: اگر امام زمان (عج) ظهور کند، همه ی ما را وارد بهشت میکند.

سبز قامت: امام زمان (عج) / باغ خدا: بهشت

بیت ۸: تنم را فرش کردم تا بتازد دلم را نذر کردم تا بیاید

معنی: جسم را آماده کرده‌ام تا در راه او فدا شود و از ته دل نذر کرده‌ام که هرچه زودتر، ظهور کند

آرایه‌های ادبی: تنم را فرس کردم: کنایه است از آماده‌ی فدا شدن